

از نئین تا چه گوارا به روایت شادی صدر

نوشته شده توسط: عابد رضایی

اسلاوی ژیزک در جایی اشاره می کند به این نکته که حتی باید به تبلیغات ضد سیگار بورژوازی بر روی پاکت های سیگار نیز به دیده ی شک نگریست.

مارکس برای عبور از هگلیانیسم چنین کرد و به نظر من عبور از مارکس های (زمانه) نیز مستحق چنین امری می باشد چرا که سالهاست در دایره ی تکرار تنها پشتک می زنند، اما امروزه فارغ از اینکه گفته بالا نوشته چه کسی بوده و حامل کدام جریان فکری است باید بر آن تعمق کرد، همانگون که ژیزک با تبلیغات سرمایه داری بر روی پاکت های سیگار می کند و اجازه می هد تا با وی نیز چنین روا گردد که جای بررسی این امر در این مبحث نمی گنجد.

اما در شرایط کنونی سیستم سرمایه، در پیکره ی نئولیبرالی در اموری بدین شکل بارها و هربار به گونه ای ابراز وجود نموده و خود را در ضدیت خویش به عرصه نمایش گذارده است که به حق تنها می تواند سیاستی نئولیبرالیستی باشد و بدور از ذهنیت آنان که مبارزه را تنها در برابر دیکتاتوری و اختناق ساده انگاشته و توانایی پای گذاردن در میدان مبارزه را با غیبت های طویل المدت به هر شکل را ندارند، من از آخر عاقبت کاتوتسکی و پلخانف آماری نداشته و تمایلی بدین امر نیز ندارم اما در مورد رزا سرخ و لنین عکس این امر صادق است، اما نمونه بخش کارگری رادیو فردا، ارگان سازمان جاسوسی امریکا نیز از این دست سیاست ها است که پرداختن بدان را ضروری می کند- نسل امروز مبارزان نه در برابر شیخ و شاه که خود را دشمن گستره هژمونیک نئولیبرالیسم یافته و بدین روی خود را در برهوتی از بی سازمانی زاده شرایط روز یافته و در پی ایجاد آن می کوشند و گر نه کم نیستند سازمانهایی به رهبری مارکس و لنین های زمانه، اما تنها در اطوار ذهن که بالاتر شیوه برخورد بدانان را اشاره نمودم که هربار و در هر کند پیچ سیاسی یعنی بر خلاف تصور خود محو شده و به گوشه ای می خزند تا در فرصتی دیگر با قلابی به دست برکنار دریای طوفانی ظاهر گردند، ولی بدون درک این ماجرا که مددی نیست توده های کارگران و زحمتکشان را از قلاب شما و برای رفع گرسنگی باید توره های ماهیگیری گروه های سازماندهی شده پهن گردد آن هم در وسط دریا، در میان طوفان و موج برآمده از شرایط بحران آب و هوایی.

در نهایت می خواهم بیافزایم بین آنان که در برابر نئولیبرالیسم یا دیکتاتوری کلاسیک ایستادگی نموده اند تفاوتی هست، بین شخصیت هایشان و بین سیاست هایشان، آنان که با سیاست های مبارزاتی برآمده اند از سد دیکتاتوری هر چند قابل احترام و خوانش تاریخی اما دارای ویژگی های فرزند زمان حال نیستند، چرا که نئولیبرالیسم آنان را هر گام و با شیوه های نوین خاکستر می کند که به نمونه های از آن در زیر اشاره می کنم:

چه گوارای ساخته نئولیبرالیسم کیست؟

هالیوود این دستگاه تبلیغاتی نظامات موجود که هم اکنون به مانند دژی تسخیر ناپذیر، ارزشهای بورژوازی را رنگ و لعاب زده و پس از خلق چه گوارایی نوین در چهارچوب یک فیلم و با گذر کردن از سطح پوسترها او را از یک چهره انقلابی ضد دیکتاتوری و اختناق مردم یک منطقه و بعد تر در سطح جهانی به زندگی کردن در روزمرگی های یکنواخت جنگل با ریتمی کمرنگ تبدیل به یک جنازه لخت بی هدف در بولیوی می کند و این نمایشی دروغین و متناقض ناست از یک زندگی سهمگین در کوران مبارزات چریکی و چنین می گردد که توانایی نئولیبرالیسم از تبدیل او به یک مانکن واره دنیای مد در چند عرصه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی رو به فزاینده گی می گذارد.

البته شاید عده ای خام اندیش و به ظاهر منتقد روش های مبارزاتی غیر کارگری این امر را نوعی بیان واقعیت و دارای نوعی دیدگاه انتقادی بدانند، و در این نقطه ناخواسته با سیاست های نئولیبرالی که به شدت بر روبنای جامعه نیز تکیه دارد تا سدی از آب را بنا نهد دچار تلاقی گردند، اما از نظر من در این برهه واقیعات زندگی انقلابی از دیدگاه بورژوازی در عرصه هنر مورد تهاجم قرار گرفته و متفاوت است با نقد سیاسی سوسیالیستها و انقلابیون بر متدلژیهای مبارزاتی این چنینی، که در عرصه هنر آویزان ایدئولوگ های نئولیبرال می گردند.

نئین در دست ساخت!

توله سگ های بورژوازی مشغول خلق و آفرینش هستند! آهسته حرکت کنید!

قابل توجه شما بینندگان عزیز! هالیوود اخیراً بنای ساخت فیلم زندگی رفیق لنین را نیز گذارده که بردپیت وظیفه بازی کردن نقش لنین را برعهده خواهد داشت، علاوه بر اینکه بردپیت نه شبیه لنین که شاید تنها شبیه مجسمه این رفیق و رهبر انقلابی است، قطعاً این سیستم هنری و سینمایی محصور در مناسبات نخبه گرایی سرمایه داری لنین را نیز شبیه خود خواهد ساخت، آفتاب سحر بر نتابیده شکی نیست که سینمای نئولیبرال چه گندی خواهد آفرید با خیل عظیم جوایزی که به کارگردان فیلم تعلق می گیرد به خاطر تیزهوشی در تخریب چهره انقلابیون و انقلاب، شکی نیست که فیلم مذکور قطعاً چیزی نخواهد بود فراتر از فیلم رویابین ها (The dreamers) که بنا داشت زندگی انقلابیون می ۶۸ را به نمایش بگذارد و توانست یک روایت کلان را با عشق بازی چند انسان حاشیه ای در مبارزات آن دوران خرد کند.

فیلم مذکور نه فیلم جنبش عظیم انقلابی طبقات فرودست و طبقه کارگر و رهبران برآمده و بازتولید شده از درون آن، که واقعیت انقلاب را وارونه جلوه خواهد داد، انقلاب روسیه و لنین و از این دست امور، از نظر ایشان تفاوتی نخواهد داشت با سناریو جنگ و ژنرالهای آن که کشتار را سازمان می دهند و در این جاست که رویابین ها و مارکس های زمانه برای تولیدات این چنینی هورا برآورده، چرا که در رویای خویش بنای تبدیل خود به ژنرال لنین (ساخته ی سرمایه داری) را دارند و نه آن رهبرانی که از درون جنبش های انقلابی بیرون آمدند. هالیوود سناریویی مل گیبسونی برای لنین پیچیده که می تواند در دل خود حاوی پیامی خطرناک از سوی بورژوازی و حمله او به سوسیالیسم کارگری باشد و آن هم در دورانی که آغاز بحران عظیم اقتصادی با پیامدهای سیاسی آن است که نمونه ی آن بهار عربی بوده و توانایی رادیکالیزه شدن آن هر دم موجود است.

وجه شباهت در اینجاست که لنین و رهبران انقلابی را به مانند واقعیت جنگی نئولیبرالیسم و در دایره ای شخصیت محور به مانند ژنرال ها خلق کرده و وجه تمایز در این است که در دنیای هنر ایشان ژنرال ها به مانند فیلم سقوط شاهین سیاه امری خطیر را بر ایجاد دیکراسی به شیوه غربی بر گردن داشته حال آنکه در فیلم زندگی نامه چه گوارا، هاوانا به مانند آب توسط انقلابیون چریک خرده می شود و به قطع پتروگراد نیز چنین خواهد شد.

اما نئولیبرالیسم وطنی و اردوگاهی ایران فاقد چنین نخبه هایی بوده و فریاد چه باید کرد سر می دهد.

توله سگ های امپریالیست در دست ساخت، لطفاً شما آسپز نباشید!

چندی پیش در اشل کوچکتر نئولیبرالهای اردوگاهی ایرانی نیز، ما شاهد چنین مواردی بوده ایم، مرتجعین اسلامی دیروز و نئولیبرالهای آیدیت شده امروز ایران، اما فاقد توانایی خلق ایدئولوژی خود و تازه به دوران رسیده در عرصه گفتمان قدرت سیاسی بورژوازی بوده چرا که خود به تازگی در دست ساخت می باشند، اگر دول غربی رسانه ها و مدیا را سازماندهی می کنند تا سیاست هایشان را به پیش برند این امر در ادوار امپریالیسم رسانه ای در خصوص ایران به گونه ای دیگر رخ می نماید، در مورد نئولیبرالهای ایرانی این لیدرها و ساختار بورژوایی هستند که از مدیای سازماندهی شده توسط دول غربی سازماندهی گشته و ساخته می شوند.

دول غربی رسانه ای امپریالیستی را پدید آورده و در این دایره نئولیبرالهای اردوگاهی ایرانی ساخته و پرداخته می شوند و به ناگزیر دست به جنایت و مصادره ضدانقلابی دارایی های انقلابیون می زنند، مصادره سرود آفتابکاران که متعلق به انقلابیون و کمونیست های بوده و روایتی است از مبارزه چریکی و ضد دیکتاتوری کمونیستها در دهه پنجاه به توسط ستاد انتخاباتی موسوی در اوان انتخابات سال ۸۸ که گام اول است ر بوده می شود، حال آنکه در خصوص اعدام کمونیست ها و انقلابیون در دهه شصت هنوز هم دست آقای موسوی لای درب گیر است. بعدتر چه گوارا با سربرد سبز و چمران به مثابه چه گوارای ایران پیش می آید که تنها وجه شباهت این دو در فرماندهی نظامی است چرا که چمران نه یک انقلابی که مسئول کشتار توده ای جنبش انقلابی کردستان و کمونیست ها در بعد از انقلاب ۵۷ است.

جوی های خون خشک شده را پاک نکنید، گل کنید!

این بود آن پروژه ای که باید کلید می خورد و خانم شادی صدر با جایزه ای کلان برای نوشتن یک کتاب به ظاهر بی طرف و گزارش گون این وظیفه خطیر را پذیرفته و تا حدی نیز موفق بوده اند، نام کتاب این است: شکنجه و خشونت جنسی علیه زندانیان سیاسی زن در جمهوری اسلامی نوشته شادی صدر و شادی امین که در میان سایت های سازمانهای چپ نیز به وفور مورد

استقبال قرار گرفته و آنرا در مهمترین قسمت سایت‌های خود مورد استقبال و انعکاس قرار داده و ما با امید به اینکه این يك اشتباه لپي و نه نتیجه سیاست آنها در برابر چنین عملکردهایی از سوي نئولیبرالها باشد نشسته ایم، اما در کتاب مذکور از نظر شخص نگارنده سه نکته حائز اهمیت است.

شادي صدر: بدون شك ایشان به عنوان ایدئولوگ جناح راست و نئولیبرال جنبش زنان در کنار خانم شیرین عبادي به عنوان يك دسیسه امپریالیستی قابل شناسایی بوده و مدتها پیش ایشان و گرایش سیاسی مطبوعشان به ماهیتی ارتجاعی، بورژوازی و نئولیبرالی در نشریات چپ و کمونیست مورد بررسی و رد قرار گرفته اند، ایشان از آن دست هستند که در دوران مبارزات سال ۸۸ تصویری از کلارا زتکین به عنوان يك رهبر کمونیست جنبش زنان را در حال به هم زدن آش بر روی پشت بام و الله اکبر گویان و سیاستی این چنین عیان هار و دزد سرگردنه را لانس می کردند.

مقدمه کتاب مذکور: با نگاهی گذرا به مقدمه این کتاب در چند نقطه ما شاهد این امر هستیم که مخلوق ناقص الخلقه ایشان بنا دارد تا شیخ اصلاحات کروی، رفسنجانی و آیت الله منتظری را از نقش داشتن در کشتار مردم طهارت دهد، پرونده اعتراض منتظری به خمینی از بایگانی بیرون می آید تا معترض بودن ایشان به تجاوز و کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت اثبات گردد، در مورد کروی و رفسنجانی در وقایع پس از انتخابات سال ۸۸ نیز چنین می گردد، اما کافی بود منعکس کنندگان این کتاب به حافظه تاریخی خود که از کشتار دهه شصت جان سالم به در بردند، پناه می بردند تا پرونده جنایی رهبران نوین نئولیبرالیسم ایرانی را در جلوی چشمان خود باز ببینند تا به جای انعکاس آن در صدد تهاجم به آن برآیند.

بی طرفی: اما بهترین مسئله ای که کتاب بنای آن را دارد جلوه دادن بی طرفی و ارائه گزارشی مستند از وقایع و تجاوز به زندانیان زن سیاسی از ابتدای شروع به کار جمهوری اسلامی بدین سو است، اگر ما مقدمه هدفمند کتاب را به طرفی نهاده و به باقی آن چشم باز کنیم با متنی بی هدف در عرصه آلترناتیوهای سیاسی روبرو می گردیم، اما اگر کتاب مذکور بی طرف است چرا انگاشته می شود؟ چرا از پیش برای تهیه آن سناریو داشته و برای آن مبلغی هنگفت جایزه تعیین می کنند؟

پاسخ درون جیبستان است، کافیست دستتان را دراز و درون جیب خود کنید:

ما در عصری زیست می کنیم که بورژوازی در قدرت به شکل نئولیبرالیستی و انواع دیگر آلترناتیوهای سیاسی خود دنیا را غرق در خون، آتش، فقر و گرسنگی کرده است و بدین روی بیان جهت سیاسی از سوي ایشان در تبلیغات بیش از هر چیز و آنگاه که دنیا شما را به دیده شك می نگرد يك حماقت است، برای تبلیغات و باورپذیری مردم سیاست طبقاتی در قدرت بهتر می داند تا آلترناتیو و گرایش سیاسی خود را پنهان و بی طرف جلوه داده و بدین شکل تنها چهره ای افراد خود را به عرصه نمایش گذارد، نگاهی به تاریخ رهبران سیاسی راست بیان گر این واقعیت است، در ابتدای جمهوری اسلامی خمینی نیز به تعبیر خودشان ایشان نه غربی بود و نه شرقی، حتی کمی آنطرف تر نه طرفدار لیبرال های ایرانی آن زمان یعنی بازرگان و بنی صدر و نه طرفدار حزب جمهوری اسلامی بود که به زودی قدرت به کمک خمینی درون دستان خود متمرکز کرد، بنی صدر نیز ابتدای پیدایش اش بدین شکل بود، گاندی، هیتلر و ... نیز حتی در این مقوله می گنجند که در فضایی دو قطبی و ایجاد شده بین ساختار دولتی و توده های زحمتکش که باید قدرت به يك طرف کشیده می شد همیشه نقش بی طرف را بازی کرده و در همین بره ها بیطرف های سیاسی که نقش دمکرات ترین ها را بازی می کنند مدام خطرناک تر از جهت دارهای راست گرا در اریکه قدرت از آب در آمده اند.

شادي صدر و همکاران سیاسی اش همانگونه حرکت می کنند که سازنده فیلم های چه گوارا، لنین و رویابین ها، و بدین روی ایشان نه قابلیت استقبال از سوي نیروهای کمونیست و انقلابی که حداقل مستحق کوبنده ترین نقدها می باشند.

. بنا به گفته شادي امین ایشان و شادي صدر برای نوشتن کتاب شکنجه و خشونت جنسی علیه زندانیان سیاسی زن در جمهوری اسلامی يك میلیون یورو جایزه نقدی دریافت نموده اند و دلیل اصلی آن شادي صدر می باشد که به عنوان بورسیه اتحادیه اروپا شناخته می شود.